



گزارش میدانی هفت صبح از بمباران زندان اوین در آخرین روز جنگ ۱۲ روزه

اوین در آتش

وملاقات‌هایی که خاکستر شدند

صفحه ۶

مرکز آمار با اعلام تورم ۳۴/۵ درصدی از کوچک‌تر شدن سفره‌های مردم خبر داد

تورم بی‌رحم است اما بی‌طرف نیست!

صفحه ۲



درس‌های هک شدن نوبیتکس برای سرمایه‌گذاران ایرانی

وقتی داشتن رمزارز ناامن است

تخمین زده می‌شود که ارزش کل دارایی‌های رمزارزی ایرانیان ممکن است بین ۸ تا ۲۱ میلیارد دلار باشد

صفحه ۲

تیراندازی مرگبار در بزرگراه تهران - پردیس بعد از یک تصادف ساده

اسلحه‌کشی مرگبار بعد از تصادف

صفحه ۶

آلکاتراز تمساح‌ها؛ خانه جدید مهاجران آمریکا

در قلب مرداب‌های فلوریدا، نخستین اردوگاه بزرگ مهاجران دولت ترامپ تنها در هشت روز ساخته شد

صفحه ۴



درنگ

فاجعه اوین؛ جنایت جنگی در سکوت جهانی

زندان، در ادبیات رسمی، نماد مجازات است. اما در زندگی روزمره، بیشتر شبیه مرزی انسانی میان امید و فراموشی است. جایی که آدم‌ها به دلایل گوناگون، درست یا غلط، عادلانه یا ناعادلانه، از جریان عادی زندگی جدا می‌شوند. با این حال حتی در سیاه‌ترین تصویر از یک زندان هم زندگی جریان دارد. سربازی که شیفتش را تحویل می‌دهد، پرستاری که فشار خون زندانی را می‌گیرد، نظافتچی‌ای که از اسلام‌شهر یا پاکدشت، هر صبح دو ساعت زودتر بیدار می‌شود تا پیش از ساعت هفت برسد و مهم‌تر از همه خانواده‌هایی با دلی سرشار از امید و شوق دیدار که برای ملاقات با عزیزانشان آمده‌اند، بی‌هیاهو، برخی با دست‌هایی پر از غذا، هدیه، سوغات، لباس و هر آنچه زندگی را، امید و رهایی را نوید می‌دهد. بمباران زندان اوین در دوم تیرماه ۱۴۰۴ این منظومه انسانی را در چشم برهم‌زدنی در هم شکست. این‌جا دیگر بحث زندان سیاسی یا محل نگهداری محکومان امنیتی نیست. این‌جا بحث آدم‌هایی ست که هیچ نقش و مسئولیتی در هیچ‌یک از سطرهای بالا نداشتند، اما آوار جنگ، بی‌هیچ تبعیضی بر سرشان فرو ریخت. در میان جان‌باختگان، نه‌فقط زندانی، بلکه کودک پنج‌ساله‌ای بود که همراه مادرش که در زندان کار می‌کرد، آمده بود. زنی که بسته دارو در دست داشت. مردی که شناسنامه و کارت ملی همراه داشت تا وقت ملاقات بگیرد. پرستاری که شب‌کار بود. نظافتچی‌ای که گفته بود امشب اضافه کار می‌یستم تا خرج دانشگاه بچه را بدهم و سربازی جوان که فقط مأمور همراهی زندانی‌ها بود و هنوز ۱۹ سالش نشده بود و احتمالاً مادرش برای او آرزوها داشت.

اینجا، دیگر هدف نظامی در میان نبود. اینجا، بمباران زندان نه فقط یک خطا، بلکه شکستی عمیق در اخلاق و انسانیت و قوانین بین‌المللی است.

بر اساس قواعد حقوق بشردوستانه بین‌المللی، به‌ویژه کنوانسیون‌های ژنو و پروتکل‌های الحاقی آن، طرف‌های درگیر جنگ موظف‌اند میان اهداف نظامی و غیرنظامی تمایز قائل شوند. هرگونه حمله‌ای که به اماکن غیرنظامی صورت گیرد، به‌ویژه اگر موجب کشته‌شدن افراد بی‌دفاع شود، مصداق جنایت جنگی است. البته از نتایج‌ها که دیوان بین‌المللی لاهه او را جنایتکار جنگی می‌داند جز این انتظاری نیست. دیوان بین‌المللی کیفری «لاها» یکم آبان ۱۴۰۳ دستور بازداشت نتانیاهو و گالات، وزیر جنگ اسرائیل را به اتهام ارتکاب جنایت جنگی، جنایت علیه بشریت و استفاده از گرسنگی (گرسنه‌سازی مردم غزه) به عنوان یک سلاح صادر کرده است.

زندان، گرچه در برخی شرایط می‌تواند محل نگهداری نیروهای مسلح دشمن یا مخالفان باشد، اما در ذات خود مکانی غیرنظامی تلقی می‌شود، به‌ویژه زندانی مثل اوین که در دل یک منطقه شهری، در نزدیکی خانه‌های مسکونی و با حضور مداوم خانواده‌ها و کارکنان اداری و پزشکی فعالیت می‌کند. اگر قرار بر استناد حقوقی باشد، این حمله قطعاً خارج از چارچوب «تناسب و ضرورت نظامی» تعریف‌شده در حقوق جنگ قرار می‌گیرد.

اما مسئله فقط قانونی نیست. مسئله اخلاقی است. سکوت نهادهای جهانی در برابر این حمله، آزاردهنده‌تر از خود انفجار است. سازمان‌های حقوق بشری که سال‌ها از حقوق زندانیان ایرانی دفاع می‌کردند، حالا باید پرسند: وقتی زندانی، زندانی سیاسی نیست، آیا جان‌ش بی‌ارزش‌تر می‌شود؟ آیا اگر این افراد در پندهای اوین مانده‌اند، دیگر هدفی مشروع برای بمب‌ها محسوب می‌شوند؟ آیا آزادی با پرتاب موشک به اتاق ملاقات محقق می‌شود؟

برخی تحلیل‌گران غربی از «تلاش برای ضربه به نمادهای سرکوب» گفته‌اند؛ اما مگر نماد سرکوب، سربازی‌ست که در زندان خدمت می‌کند، یا پدری است که حسابدار زندان است؟ یا زنی است که هر هفته از شهریار با اتوبوس می‌آید تا در آشپزخانه زندان کار کند؟

تاریخ جنگ‌ها، همواره چنین لحظات غیرانسانی را به خود دیده است. از بمباران زندان آمستل‌فین در هلند تا آوار بر سر زندانیان فلسطینی. اما هر بار، جامعه جهانی صدای اعتراض بلند کرده است. این بار، اما نه بیانه‌ای فوری صادر شد، نه تحقیق مستقلی آغاز شد، نه حتی یک هیأت حقیقت‌یاب به تهران آمد. گویی چون ما ایرانی هستیم، هر حمله‌ای مشروع است و هر مرگی، جزئی از درگیری است. برای روزنامه‌نگاران، شاید تنها کاری که از دستشان برآید، روایتگری است. روایت آن‌چه بر آدم‌ها گذشت، نه بر ساختارها، نه بر پرونده‌ها، بلکه بر انسان‌هایی که اسم دارند، گیریم محکوم به حبس باشند، خاطره دارند اما زندگی‌شان به خاکستر جنگ مرگ اندود شد. هر کس در تهران زندگی می‌کند می‌داند پشت در این زندان، فراتر از جنبه سیاسی‌اش، یک جغرافیای انسانی وجود دارد، محلی است برای روایت‌های خرد آدم‌هایی که حتی اسم‌شان هرگز به رسانه‌ها نرسیده و اکنون در خاکستر ملاقاتی ساده خفته‌اند که آنسوی دیوارها جا مانده.

گزارش ویژه

سیب سرخ و پارچه سیاه: نمادهای سوگ حسینی در گناباد

از نخل گردانی تا واویلاخوانی

رسم و رسوم وابسته به آیین‌های ماه محرم با وجود شباهت‌هایی که در نقاط مختلف به هم دارند، در عین حال با شیوه خاص همان منطقه برقرار می‌شود. در هر شهر و روستا، مردم با آیین‌ها و رسم‌هایی که نسل به نسل منتقل شده است، سوگواری خود برای شهادت امام حسین (ع) را نشان می‌دهند. اکرم صمدی فرهنگیار فرهنگ مردم مرکز تحقیقات صاوسیما در منطقه گناباد استان خراسان رضوی گفت: گوی فصلی با ایسنای مردم گناباد می‌گوید که در کنار سوگواری، سینه‌زنی و زنجیرزنی با آداب و رسومی مانند نخل‌بندان، نخل گردانی، تعزیه‌خوانی و تعزیه گردانی، آیین حسن حسین و... ارادت خود را به سید و سالار شهیدان حضرت اباعبدالله (الحسین) (ع) نشان می‌دهند.

به گفته او برخی آیین و رسوم ماه محرم در گناباد شامل نخل گردانی قصبه شهر، نوغاب و روستاهای رهن و ریاب، شبیه‌خوانی نوغاب و ریاب، واویلاخوانی روستای مند و حسن و حسین روستای بیدخت در فیرست آثار ناملموس و معنوی کشور به ثبت رسیده است.

نخل گردانی به سبک گنابادی‌ها

در بستان نخل از پارچه سیاه، چوب نخل، شمشیر و نیزه، آینه و سسرو و نخل استفاده می‌شود که هر کدام معنای خاصی دارد و این آیین به عنوان یکی از مهمترین آیین‌های محرمی گناباد ریشه‌ای طولانی در تاریخ دارد. پارچه سیاه نماد سوگ و ماتم، چوب نخل نماد پیکر سیدالشهدا(ع) و شمشیر و نیزه نماد تیر و نیزه‌های وارد شده بر بدن امام، آینه نماد نور وجود امام حسین (ع) و سسرو نخل نماد قامت حضرت علی اکبر (ع)، پنجه‌های فلزی نخل نماد دستان ابوالفضل العباس (ع)، زنگ نماد زنگ کاروان امام حسین (ع) و سیب سرخ نماد خون سالار شهیدان(ع) و میوه بهشتی است. در پایان سبب قرمز و نخود مشکل گشای تبرک بین عزاداران تقسیم می‌کنند. پارچه‌های زینتی نخل نمادی از حجله قاسم‌بن حسن (ع) و تنوع رنگ این پارچه‌ها نشانگر تنوع افکار و عقاید، ایده‌ها و مذاهب گوناگون است که در ایام محرم در قالب یک هدف و اعتقاد به امام حسین (ع) به صورت متمرکز و متحد به عزاداری می‌پردازند.

نخل گردانی از دوران صفویه همراه با سینه‌زنی و شبیه‌سازی به شکل امروز در آیین‌های محرم در گناباد رواج یافته است. نخل، تابوت بزرگ و بلندی است که بر آن خنجر، شمشیر، پارچه‌های قیمتی و

شبیه گردانی

آیین شبیه گردانی از ساعتی قبل از اذان صبح روز عاشورا آغاز می‌شود به این صورت که کاروانی از شترها و شبیه‌خوانان به عنوان نمادی از کاروان امام حسین(ع) در کوچه‌های نوغاب به حرکت در می‌آیند. حرکت این کاروان به مقصد مسجد نوغاب تا هنگام اذان صبح ادامه یافته و پس از اقامه نماز صبح چوب‌های نخل با مهارت خاصی به هم متصل شد، بزرگان و افراد باتجربه به تزیین آن می‌پردازند و سپس آیین نخل گردانی در گناباد از ابتدای صبح روز عاشورا آغاز می‌شود. باور عامه بر این است که مشایعت نخل و نشستن گرد و خاک ناشی از حرکت نخل بر لباس‌ها، باعث برکت و سلامت می‌شود.

آیین «حسن حسین»

مراسم دیگر محرم در گناباد که اکثراً در این شهرستان و روستاهای توابع آن اجرا می‌شود آیین «حسن حسین» شهرستان بیدخت است که ثبت

میراث معنوی شده است. این آیین عزاداری از حدود سه نسل قبل یعنی حدود ۲۵۰ سال پیش آیین، عده‌ای از سینه‌زن‌ها در وسط مسجد دور سینه‌زنی در بیدخت گناباد برگزار می‌شود. در این هم حلقه می‌زنند و هر نفر با دست چپ کمر فرد کناری را گرفته و با دست راست بر سینه می‌زنند و یک نفر هم در وسط هماهنگ با سینه زن‌ها به طور مقطع و متناوب با گام نخست و دوم به ترتیب حسن و حسین می‌گوید و همه جمع با او همراهی می‌کنند.

این مراسم همچنین در دلویی یکی از روستاهای گناباد در دارالشفا که به «قدمگاه حضرت علی(ع)» معروف است، توسط مردان هیئتی این روستا برگزار می‌شود.

عزاداری به سبک واویلاگویان

در دهه اول ماه محرم آیین «واویلا» در روستای مند برقرار است که ۱۵ گروه با استقرار در سه مسجد این روستا با نوای واویلا مردم را به حضور در مراسم عزای امام حسین (ع) دعوت می‌کنند. مرثیه واویلائی مند با قدمت بیش از ۱۰۰ سال در دهه نخست محرم صبح، ظهر و شب قبل از عزاداری اصلی در مساجد این آیین افسراد به صورت یک حلقه نشسته و یک نفر به عنوان اجراکننده، اشعاری در خصوص واقعه عاشورا از سروده‌های محتشم کاشانی، عبدالجواد خراسانی و عباس حسینی جوهری قرائت می‌کند و هر شری که خوانده می‌شود مستمعان نیز پایان آن را می‌خوانند و عزاداری می‌کنند.

وقف‌های حسینی

در سایه وقف‌های صورت گرفته زمین، قنات و سایر اموال برای برگزاری مراسم عزاداری، تعزیه‌خوانی و جشن‌های مرتبط با امام حسین (ع) اختصاص داده شده‌اند. در وقف‌نامه‌ها، تأکید ویژه‌ای بر برگزاری مراسم تعزیه‌داری در ماه‌های محرم و صفر و جشن‌های میلاد در ایام ولادت امام حسین (ع) شده است.

بسیاری از این موقوفات دارای رقبه‌های درآمدا هستند که از آنها برای تأمین هزینه‌های مراسم و فعالیت‌های مرتبط با عزاداری امام حسین(ع) استفاده می‌شود. برخی وقف‌های دیگر شامل اموال برای امور خیریه و امور مربوط به مساجد در ایام محرم در مساجد و مصلی است.





مرکز آمار با اعلام تورم ۳۴/۵ درصدی از کوچک تر شدن سفره‌های مردم خبر داد

تورم بی رحم است اما بی طرف نیست!



در کنار لبنیات، گوشت قرمز، مرغ، روغن و حتی میوه‌های فصلی، همگی در روندی افزایشی قرار دارند. و این گرانی‌ها، برخلاف خوش‌بینی‌های رسمی، هنوز به نقطه‌ای نرسیده که مردم بتوانند بگویند «قیمت‌ها تثبیت شده‌اند».

تورم یعنی کاهش قدرت خرید پول. یعنی اگر تا دیروز با ۱۰۰ هزار تومان می‌شد یک سبد کوچک خرید، امروز همان سبد، ۳۰ درصد گران‌تر شده و دیگر با آن پول نمی‌توان همان کالاها را تهیه کرد.

در بخش غیر خوراکی‌ها و خدمات (از اجاره‌خانه و حمل‌ونقل تا آموزش و درمان)، فشار تورمی بر دهک‌های پایین بسیار بیشتر است. تورم این بخش برای دهک اول ۳۷.۴ درصد اعلام شده، در حالی که برای دهک دهم ۳۴.۷ درصد است. این یعنی حتی در حوزه‌هایی که به‌ظاهر «غیر خوراکی» هستند، فقرا تورم بیشتری را تحمل می‌کنند.

تورم بی‌رحم است اما بی‌طرف نیست شاید در تریبون‌ها بگویند تورم یک عدد ملی است اما واقعیت این است که تورم، برای هر کس، تجربه‌ای متفاوت دارد. برای ثروتمند، تورم شاید فقط یک تغییر عدد در نمودارها باشد؛ اما برای فقیر، تورم به‌معنای حذف، عقب‌نشینی و گذشتن از نیازهای ابتدایی است. وقتی مردم گوشت را کنار می‌گذارند و پنیر را در مصرف روزانه سهمیه‌بندی و نان را جیره‌بندی ذهنی می‌کنند، دیگر تورم فقط عدد نیست؛ فاجعه‌ای انسانی است که در سکوت، سفره‌ها را تحلیل می‌برد.



بیشتر هزینه کرده‌اند تا همان کالاهایی را بخرند که ایجاد می‌شود، حقوق‌ها افزایش می‌یابد و حتی اگر شکاف در آمدی هم وجود داشته باشد، همه احساس می‌کنند در حال پیشرفت‌اند. در چنین وضعیتی، شاید برخی بیشتر سود ببرند اما کمتر کسی ضرر می‌کند. مردم خوشحال‌اند، چون چرخ اقتصاد می‌چرخد.

اما در وضعیت تورمی، این چرخ برای عده‌ای تندتر و برای اکثریت کندتر یا حتی ایستاده است. جامعه به دو بخش تقسیم می‌شود: اقلیتی که هنوز می‌توانند بخرند، سرمایه‌گذاری کنند و از شرایط سود ببرند و اکثریتی که هر روز از پس تأمین نیازهای ابتدایی‌شان هم برنمی‌ایند. همین جاست که تورم، از یک پدیده اقتصادی صرف، به یک مسئله سیاسی-اجتماعی تبدیل می‌شود.

دولت‌ها و تورم دولت‌ها ممکن است نتوانند یک‌شبه تورم را مهار کنند اما نمی‌توانند چشم خود را هم بر پیامدهای اجتماعی آن ببندند. وقتی سفره‌های مردم کوچک می‌شود، صبرشان هم کوتاه‌تر می‌شود. تورم فقط عددی در گزارش‌های ماهانه نیست. تورم، واقعیت روزمره میلیون‌ها خانواده‌ای است که هر روز باید بین گوشت و دارو، یا بین اجاره و آموزش فرزندان‌شان انتخاب کنند. وقتی این انتخاب‌ها هر روز سخت‌تر می‌شود، جامعه دیگر فقط فقیر نمی‌شود، بلکه خسته، بی‌اعتماد و نگران هم می‌شود. تورم باعث می‌شود پدرها لقمه فرزندان‌شان را بشمارند و مادران هرروز برای پخت‌وپز غذای روزانه حواسشان به کوچک شدن کیسه برنج کنار آشپزخانه باشد.

عده‌های خرداد فریاد می‌زنند در خردادماه ۱۴۰۴، شاخص قیمت مصرف‌کننده در کشور به عدد ۲۴۸.۱ رسید؛ عددی که شاید برای بسیاری از مردم بی‌معنا باشد، اما برای سفره‌شان، به‌وشنی معنا دارد: گرانی، کوچکی سفره، حذف تدریجی اقلام ضروری و سختی انتخاب بین خوردن و نگران نبودن. مرکز آمار ایران در تازه‌ترین گزارش خود اعلام کرده که تورم ماهانه خرداد به ۳.۳ درصد رسیده؛ یعنی در تنها ۳۰ روز، خانواده‌ها به‌طور میانگین ۳.۳ درصد

گروه اقتصاد وقتی صحبت از تورم می‌شود، بسیاری از ما آن را با قیمت‌های می‌سنجیم: گرانی نان، افزایش بهای گوشت، جهش قیمت لبنیات، قبض‌هایی که هر ماه سنگین‌تر می‌شوند اما تورم فقط گرانی نیست. تورم، مثل یک جریان آرام و نامرئی، سفره‌ها را کوچک می‌کند، نابرابری را بزرگ‌تر و امید را کم‌رنگ‌تر.

در ساده‌ترین تعریف، تورم یعنی کاهش قدرت خرید پول. یعنی اگر تا دیروز با ۱۰۰ هزار تومان می‌شد یک سبد کوچک خرید، امروز همان سبد، ۳۰ درصد گران‌تر شده و دیگر با آن پول نمی‌توان همان کالاها را تهیه کرد. این یعنی تورم، بی‌آنکه مستقیماً از کسی چیزی بگیرد، عملاً باعث می‌شود مردم کمتر داشته باشند؛ به‌ویژه آنهایی که درآمد ثابتی دارند یا سرمایه‌ای برای مقابله با تورم ندارند. برای فهم بهتر تورم، تصور کنید در جامعه‌ای زندگی می‌کنیم که در آن پول چاپ می‌شود و بیشتر و بیشتر وارد چرخه اقتصاد می‌شود اما در عوض، تولید و عرضه کالا همان قدر باقی می‌ماند یا حتی کمتر می‌شود. در چنین حالتی، پول زیاد می‌شود اما کالا کمیاب‌تر. نتیجه؟ قیمت‌ها بالا می‌رود. این افزایش قیمت، نه به دلیل رشد واقعی اقتصاد، بلکه به دلیل افزایش حجم نقدینگی و کاهش ارزش پول است.

تورم ثروتمندان را ثروتمندتر، فقرا را فقیرتر می‌کند اما چرا تورم تا این اندازه ناعادلانه است؟ پاسخ ساده است: تورم از همه یکسان نمی‌گیرد. ثروتمندان، دارایی‌هایی دارند که با تورم رشد می‌کنند. طلا، ملک، سهام، ارزهای خارجی. این دارایی‌ها نه تنها ارزش خود را از دست نمی‌دهند، بلکه در شرایط تورمی گران‌تر هم می‌شوند. آنها که پول دارند، پول‌شان را حفظ می‌کنند یا حتی سود می‌برند. در مقابل، اقشار کم‌درآمد یا متوسط، به‌ویژه آنهایی که تنها منبع درآمدشان حقوق ماهانه است، نه تنها عقب می‌مانند، بلکه هر ماه سفره‌شان کوچک‌تر از قبل می‌شود. آنها نه امکان سرمایه‌گذاری دارند، نه توان خرید حجم زیادی از کالاها یا داروم. تمام دارایی‌شان در اسکناس‌هایی خلاصه می‌شود که هر روز بی‌ارزش‌تر می‌شود.

در واقع، تورم مثل مالیاتی است که از فقرا گرفته می‌شود اما نه از طریق برگه مالیاتی، بلکه از طریق فروشگاه‌ها، نانواپی‌ها، دارو خانه‌ها، و قبض‌های آب و برق.

وقتی جامعه در وضعیت رونق اقتصادی قرار دارد، حس خوش‌بینی در میان مردم افزایش پیدا

گزارش

درس‌های هک شدن نوبیتکس برای سرمایه‌گذاران ایرانی

وقتی داشتن رمزارز ناامن است

تخمین زده می‌شود که ارزش کل دارایی‌های رمزارزی ایرانیان ممکن است بین ۲۱ تا ۸۱ میلیارد دلار باشد

شایان سبایست
هفت صبح

در یکی از پرتشن‌ترین دوره‌های جنگ سایبری که در میانه «جنگ ۱۲ روزه» رخ داد صرافی رمزارزی نوبیتکس ناگهان به کانون توجه رسانه‌ها و کاربران ایرانی تبدیل شد. حمله‌ای پیچیده و سازمان‌یافته، توسط گروه هکری موسوم به «گنجشک درنده»، زیرساخت‌های فنی این صرافی را هدف گرفت و نه تنها عملکرد آن را مختل کرد، بلکه اعتماد عمومی به امنیت دارایی‌ها دیجیتال در کشور را به لرزه انداخت.

حمله گنجشک‌های درنده به نوبیتکس صبح روز ۲۸ خرداد ۱۴۰۴، حمله آغاز شد. تمرکز اصلی مهاجمان بر کیف پول‌های گرم نوبیتکس و سامانه‌های اطلاع‌رسانی آن بود. هنوز جزئیات فنی این نفوذ به‌طور رسمی منتشر نشده، اما داده‌های آن حکایت از آن دارد که هکرها با استفاده از آدرس‌های سفارشی و دسترسی به کلیدهای داخلی، موفق شدند میلیون‌ها دلار را به آدرسی با نامی توهین‌آمیز منتقل کنند. اقدامی که فراتر از یک سرقت مالی، حامل پیامی سیاسی و روانی نیز بود. برآورد‌ها نشان می‌دهد که حدود ۲۷ تا ۲۸ میلیون دلار از دارایی کاربران به سرقت رفته است. موجودی کیف پول‌های نوبیتکس نیز به‌طرز چشمگیری کاهش یافت؛ از حدود ۱.۸ میلیارد دلار به کمتر از ۱۰۰ میلیون دلار رسید. این افت ناگهانی، موجی از گرانی و بی‌اعتمادی را در میان کاربران و فعالان بازار رمزارز در سایر کارگزاری‌ها به‌راه افتاد.

در واکنش به این بحران، نوبیتکس با فاصله دسترسی به پلتفرم را متوقف و دارایی‌های باقی‌مانده را به کیف پول‌های سرد منتقل کرد. این صرافی اعلام کرد که تمام خسارات وارده به کاربران از طریق صندوق بیمه و منابع داخلی جبران خواهد شد. وبسایت و اپلیکیشن نوبیتکس نیز به‌طور موقت غیرفعال شدند تا بررسی‌های امنیتی تکمیلی انجام گیرد. در همین حین، گروه گنجشک درنده با انتشار بیانیه‌ای مسئولیت این حمله را بر عهده گرفت. آن‌ها مدعی شدند که نوبیتکس به کاربران ایرانی آموزش می‌دهد چگونه تحریم‌ها را دور بزنند، و این موضوع را بهانه‌ای برای حمله عنوان کردند. این ادعا، در کنار حملات هم‌زمان به دیگر نهادهای مالی، نشان می‌داد که ماجرا فراتر از یک حمله منفرد است؛ بلکه بخشی از یک جنگ سایبری هدفمند و سازمان‌یافته علیه زیرساخت‌های مالی ایران است.

آزمونی برای زیرساخت‌های رمزارزی

اما این حادثه تنها یک تهدید امنیتی نبوده بلکه به آزمونی برای اعتماد عمومی به زیرساخت‌های رمزارزی داخلی تبدیل شد.



چگونه اصول فنی را رعایت کنیم

اما امنیت فقط به انتخاب کیف پول یا صرافی محدود نمی‌شود. کاربران باید اصول فنی و رفتاری را نیز رعایت کنند: استفاده از رمز عبور قوی و منحصر به فرد، فعال‌سازی احراز هویت دو مرحله‌ای، نگهداری فیزیکی از عبارات بازیابی، به‌روزرسانی مداوم نرم‌افزارها، پرهیز از فیشینگ و اپلیکیشن‌های جعلی و استفاده از شبکه‌های امن. همچنین، نگهداری همه دارایی‌ها در یک کیف پول یا یک نوع رمزارز توصیه نمی‌شود؛ تنوع‌بخشی، ریسک را کاهش می‌دهد.

در نهایت، باید پذیرفت که امنیت در دنیای رمزارزها نه یک ویژگی ذاتی، بلکه یک مسئولیت شخصی و مداوم است. برخلاف نظام‌های بانکی سنتی که در آن‌ها نهادهای مرکزی می‌توانند در صورت بروز خطا یا سرقت، بخشی از خسارت را جبران کنند، در فضای بلاک‌چین چنین سازوکاری وجود ندارد. این یعنی هر افزایش از آشنایی کلید خصوصی گرفته تا کلیک روی یک لینک فیشینگ، می‌تواند به از دست رفتن کامل دارایی منجر شود و بازگشتی در کار نیست.

رمزارز فقط ارز نیست، ابزار حکمرانی است

در جهانی که رمزارزها دیگر صرفاً ابزار آزادی‌خواهانه و غیرمتمرکز نیستند و به میدان نبرد ژئوپلیتیکی میان دولت‌ها، شرکت‌ها و کاربران تبدیل شده‌اند، برای کاربران ایرانی، هوشمندی، احتیاط و آمادگی نه یک انتخاب، بلکه ضرورتی استراتژیک است. در چنین شرایطی، تنها کسانی می‌توانند از فرصت‌های این بازار بهره‌مند شوند که در کنار دانش مالی، به اصول امنیت دیجیتال نیز مسلط باشند. از سوی دیگر، این تحولات نشان می‌دهد که سیاست‌گذاران ایرانی نمی‌توانند نسبت به این حوزه بی‌تفاوت بمانند. حجم بالای سرمایه‌گذاری مردم در رمزارزها، که طبق برآوردها به بیش از ۸ تا ۱۲ میلیارد دلار می‌رسد، نشان می‌دهد که این بازار دیگر حاشیه‌ای نیست. اکنون زمان آن رسیده که نهادهای مسئول، با تدوین مقررات شفاف، ایجاد زیرساخت‌های امن و حمایت از پلتفرم‌های داخلی قابل اعتماد، نقش فعالی در هدایت این جریان ایفا کنند.

بنابراین ماجرای نوبیتکس تنها یک هشدار نیست؛ بلکه آینه‌ای است که واقعیت‌های پنهان شده در پس شور و شوق رمزارزی را به ما نشان می‌دهد. واقعیت‌هایی که اگر نادیده گرفته شوند، نه تنها سرمایه‌های فردی، بلکه اعتماد عمومی و امنیت اقتصادی کشور را نیز به خطر خواهند انداخت. آینده رمزارزها در ایران، نه در وعده سودهای سریع، بلکه در بلوغ کاربران، مسئولیت‌پذیری پلتفرم‌ها و هوشمندی سیاست‌گذاران رقم خواهد خورد.

دارایی‌های ایرانیان در صرافی‌های خارجی نیز هست؟ پاسخ، هر چند غیرمستقیم، مثبت است. تهدید اصلی نه از سوی هکرها، بلکه از جانب تحریم‌ها و فشارهای سیاسی ایالات متحده است. وزارت خزانه‌داری آمریکا با اعمال فشار بر صرافی‌های بین‌المللی، آن‌ها را وادار کرده تا دسترسی کاربران کشورهای تحت تحریم، از جمله ایران را مسدود کنند. صرافی‌هایی مانند Binance, Kraken و Coinbase به‌طور رسمی به کاربران ایرانی خدمات نمی‌دهند، حتی در مواردی که کاربران با VPN وارد شده‌اند، دارایی‌هایشان شناسایی و مسدود شده است. شرکت‌های تحلیل بلاک‌چین‌هایی مانند Chainalysis و CipherTrace نیز در شناسایی آدرس‌های مرتبط با ایران نقش فعالی دارند.

در کنار این تهدیدها، پرسش دیگری نیز مطرح شد: آیا رمزارزها به ابزاری برای کنترل جریان پول توسط دولت‌ها، ایالات مانند آمریکا تبدیل شده‌اند؟ پاسخ این نیز مثبت است. اگرچه رمزارزها ذاتاً غیرمتمرکز هستند، اما زیرساخت‌های پیرامونی آن‌ها از جمله صرافی‌ها، کیف پول‌های متمرکز و استیبل کوین‌ها، تحت نفوذ دولت‌ها قرار گرفته‌اند. ایالات متحده با استفاده از استیبل کوین‌هایی مانند TUDC و USDC که توسط شرکت‌های آمریکایی صادر می‌شوند، نفوذ خود را در بازار رمزارزها حفظ کرده است. همچنین، ابزارهای تحلیل بلاک‌چین به دولت آمریکا این امکان را می‌دهند که تراکنش‌ها را ردیابی کرده، پولشویی را شناسایی کند و تحریم‌های هدفمند اعمال نماید. در مقابل، کشورهای مانند چین و روسیه با توسعه رمزارزهای ملی (CBDC) تلاش دارند از سلطه دلار و رمزارزهای غربی بکاهند.

سرمایه‌گذاران ایرانی هشیار باشند

در چنین فضای، کاربران ایرانی باید با نگاهی واقع‌بینانه و آه‌بردی، امنیت دارایی‌های دیجیتال خود را تضمین کنند. نخستین گام، خروج دارایی‌ها از صرافی‌های خارجی و انتقال آن‌ها به کیف پول‌های شخصی و غیرمتمرکز است، چه سخت‌افزاری مانند Trezor و Ledger، و چه نرم‌افزاری متن‌باز. دوم، پرهیز از احراز هویت در صرافی‌های خارجی و استفاده از ابزارهای امن برای پنهان‌سازی IP است، هرچند این روش نیز بدون ریسک نیست. سوم، استفاده از استیبل کوین‌های غیرمتمرکز مانند DAI به جای گزینه‌های متمرکز مانند USDT و USDC. در نهایت، تنوع‌بخشی به دارایی‌ها، بهره‌گیری از شبکه‌های غیرمتمرکز DEX ها و استفاده از پلتفرم‌های داخلی با امنیت بالا، می‌تواند آسیب‌پذیری را کاهش دهد.



آتش‌بس شکننده میان طرفین بی‌اعتماد

توقف یا تله؟

تعهد مستمر واشنگتن برای تقویت صهیونیست‌ها

اعلام آمریکا در تاریخ ۳۰ ژوئن ۲۰۲۵ مبنی بر تأیید فروش ۵۱۰ میلیون دلار تجهیزات هدایت بمب، شامل بیش از ۷ هزار کیت هدایت برای بمب‌های JDAM به اسرائیل، زنگ خطر را برای تشدید احتمالی تنش‌ها به صدا درآورد. آژانس همکاری امنیتی دفاعی آمریکا ادعا کرده که این فروش با هدف تقویت توانایی اسرائیل در دفاع از مرزها، زیرساخت‌های حیاتی و غیرنظامیان در برابر تهدیدات فعلی و آینده انجام می‌شود. این تجهیزات شامل ۳۸۴۵ کیت هدایت MK۵۵A/B-B-KMU برای بمب‌های BLU-۱۰۹ (سنگرشکن) و ۳۲۸۰ کیت MK۵۵A/B-B-KMU برای بمب‌های MK۸۲ است که دقت بمب‌ها را در شرایط مختلف آب‌وهوایی به سطح متر افزایش می‌دهد. این فروش که نیازمند تأیید نهایی کنگره آمریکاست، نشان‌دهنده تعهد مستمر واشنگتن به تقویت توان نظامی اسرائیل است.

اسرائیل در درگیری‌های اخیر اهدافی از جمله تأخیر در برنامه هسته‌ای ایران و تضعیف توان موشکی و فرماندهی نظامی کشور را دنبال کرد اما ایران نیز خسارات قابل توجهی به اسرائیل وارد کرده، به‌ویژه با توجه به فقدان عمق استراتژیک اسرائیل این توازن نسبی در خسارات و دستاوردها، همراه با فشارهای داخلی و بین‌المللی، به توقف موقت درگیری‌ها منجر شده است. با این حال، تحلیلگران معتقدند که این آتش‌بس شکننده است و فروش اخیر تسلیحات به اسرائیل احتمال نقض آن را افزایش می‌دهد.

انگیزه‌های اسرائیل برای ادامه درگیری

اسرائیل انگیزه‌های متعددی برای از سرگیری حملات به ایران دارد که می‌توان آنها را در دو دسته اصلی «استراتژیک» و «سیاسی-داخلی» تقسیم‌بندی کرد. اسرائیل احتمالاً معتقد است به دلیل آنکه نتوانست در تجاوزات خرداد ماه خود به اهداف غایی مدنظرش دست یابد، در حملات جدید می‌تواند اهداف بیشتری را دنبال کند. از این رو ادامه اهداف ترسیمی در جنگ ۱۲ روزه، به‌ویژه وارد آوردن خسارت بیشتر به برنامه هسته‌ای و موشکی ایران، شاید اسرائیلی‌ها و شخص نتانیاهو را به ادامه حملات تشویق کند. در این میان با دسترسی به تجهیزات پیشرفته هدایت بمب که دقت و اثر بخشی حملات را افزایش می‌دهد، باید این سناریو را محتمل دانست. این تجهیزات به‌ویژه کیت‌های JDAM، توانایی اسرائیل را برای هدف قرار دادن

تأسیسات زیرزمینی و سنگرهای مستحکم ایران تقویت می‌کند. از سوی دیگر «بنیامین نتانیاهو» نخست‌وزیر اسرائیل در یکی از شکننده‌ترین شرایط خود قرار دارد و با چالش‌های سیاسی داخلی قابل توجهی مواجه است که عمده آن به دلیل تداوم کشتار و جنایات در نوار غزه است و به واسطه ناکامی در شکست حماس و فرسایشی کردن جنگ، دولت او در داخل سرزمین‌های اشغالی با انتقادات و تزلزل جایگاه سیاسی روبه‌رو است. تجربه نشان داده که رهبران صهیونیست و مشخصاً فردی چون نتانیاهو، در گذشته از درگیری‌های خارجی برای انحراف توجه از مشکلات داخلی استفاده کرده‌اند لذا از سرگیری حملات به ایران می‌تواند به‌عنوان ابزاری برای تقویت جایگاه نتانیاهو در میان افکار عمومی شهر کنشینان و کاهش فشارهای سیاسی داخلی عمل کند. البته باید در نظر گرفت که هرگونه سوءمحاسبه صهیونیست‌ها و نتانیاهو در تجاوز جدید به ایران می‌تواند اثر بومرنگی داشته باشد یعنی به‌جای کاهش فشارها موجب سقوط و مرگ سیاسی نتانیاهو شود. هنوز تبعات اجتماعی، اقتصادی و امنیتی پاسخ‌های موشکی ایران به سرزمین‌های اشغالی بر دوش دولت نتانیاهو سنگینی می‌کند لذا شاید برای خودداری از تکرار آن تجربه به سمت تجدید تجاوز به ایران نباشد. با این حال باید گزاهای به نام «الگوئ تاریخی نقض آتش‌بس» را مدنظر قرار داد. اسرائیل سابقه طولانی در نقض آتش‌بس‌ها دارد و برخی گزارش‌ها از بیش از هزار مورد نقض آتش‌بس توسط صهیونیست‌ها حکایت دارند. این الگو به‌ویژه در لبنان، غزه، سوریه و... نشان‌دهنده تمایل احتمالی نتانیاهو به انجام حملات محدود و هدفمند است که واکنش‌های بین‌المللی شدیدی را برنمی‌انگیزد. با دسترسی به کیت‌های هدایت بمب جدید، صهیونیست‌ها می‌توانند حملات محدودتری را بدون نقض آشکار آتش‌بس انجام دهند که این امر احتمال از سرگیری درگیری‌ها را افزایش می‌دهد.

نقش ایالات متحده و سیاست‌های ترامپ

بی‌شک باید پارامتر کلیدی دیگری به نام «سیاست‌های دونالد ترامپ» را هم مدنظر قرار داد که نقش تعیین‌کننده‌ای در احتمال از سرگیری حملات دارد. اظهارات اخیر او مبنی بر عدم تمایل به مذاکره با ایران، همراه با ادعایش درباره نابودی برنامه هسته‌ای ایران، نشان‌دهنده اعتماد به نفس بالای رئیس‌جمهور آمریکا در مذاکرات احتمالی است. با این حال برخی تحلیلگران معتقدند

که این اظهارات بخشی از استراتژی فشار حداکثری برای وادار کردن ایران به پذیرش شرایط سخت‌گیرانه‌تر در مذاکرات است. تأثیر مذاکرات ایران و آمریکا بر ترسیم تحولات میدانی را نمی‌توان انکار کرد. میزان حمایت آمریکا از حملات احتمالی اسرائیل به ایران به وضعیت مذاکرات دیپلماتیک میان ایران و آمریکا بستگی دارد. اگر مذاکرات به سمت توافقی پیش برود ترامپ ممکن است تلاش کند جلوی اقدامات نظامی مجدد صهیونیست‌ها را بگیرد تا از به خطر افتادن گفت‌وگوها جلوگیری کند اما در صورت شکست مذاکرات، حملات اسرائیل می‌تواند به‌عنوان اهرمی برای فشار بر ایران مورد حمایت آمریکا قرار گیرد. البته چشم‌انداز مذاکرات فعلاً مبهم است. بسا توجه به پیچیدگی‌های موجود، از جمله بی‌اعتمادی عمیق ایران به آمریکا و ادعاهای مبالغه‌آمیز ترامپ درباره موفقیت‌های نظامی علیه ایران، چشم‌انداز توافق دیپلماتیک در کوتاه‌مدت ضعیف به نظر می‌رسد. فروش اخیر تسلیحات به اسرائیل این پیام را به ایران ارسال می‌کند که آمریکا آماده حمایت از اقدامات نظامی اسرائیل است. زمانی که «عباس عراقچی» وزیر امور خارجه ایران در گفت‌وگو با شبکه سی‌بی‌اس تأکید دارد که «ایران پیش از هرگونه مذاکره باید اطمینان یابد که آمریکا در میانه گفت‌وگوها اقدام نظامی علیه ایران انجام نخواهد داد» موید و مبین آن است که تهران، احتمال وقوع هر سناریویی را می‌دهد چرا که به هیچ وجه اعتمادی به طرف مقابل ندارد که دوباره در میانه مذاکرات، تجاوز دیگری روی ندهد.

در کنار عوامل یاد شده باید به بند غروب برجام و فشارهای بین‌المللی هم پرداخت. بند مذکور (غروب برجام) که در اکتبر ۲۰۲۵ (مهرماه سال جاری شمسی)، محدودیت‌های هسته‌ای ایران را پایان می‌دهد، عامل کلیدی در تشدید تنش‌هاست. کشورهای اروپایی ممکن است از مکانیسم ماشه برای بازگرداندن تحریم‌های سازمان ملل علیه ایران استفاده کنند به‌ویژه اگر مذاکرات با آمریکا به نتیجه نرسد. این فرایند که نیازمند تصمیم‌گیری در ماه‌های اوت یا سپتامبر ۲۰۲۵ است، می‌تواند تنش‌ها را به اوج برساند و زمینه را برای اقدامات نظامی صهیونیست‌ها یا حتی آمریکا فراهم کند. لذا باید اذعان داشت که آتش‌بس فعلی به واسطه عدم اعتماد شکننده جلوه می‌کند به ویژه که جامعه جهانی، به‌ویژه کشورهای غربی، تا حدی به

حسین فاطمی | جنگ ۱۲ روزه ناشی از تجاوز اسرائیل به ایران
که با یک آتش‌بس شفاهی شکننده به پایان رسید، منطقه را در وضعیتی پر از ابهام و عدم اطمینان قرار داده است. با وجود توقف موقت درگیری‌ها، نگرانی‌ها درباره احتمال از سرگیری حملات احتمالی تحت حمایت ایالات متحده، همچنان پابرجاست به خصوص آنکه اظهارات اخیر ترامپ در شبکه‌های اجتماعی که با لحنی تند، مذاکره با ایران را رد کرد، گمانه‌زنی‌ها درباره احتمال از سرگیری درگیری‌ها را تقویت کرد. در سوی دیگر و به واسطه همین عدم قطعیت‌هاست که «عباس عراقچی» وزیر امور خارجه ایران، در گفت‌وگو با شبکه سی‌بی‌اس تأکید کرد که «ایران پیش از هرگونه مذاکره باید اطمینان یابد که آمریکا در میانه گفت‌وگوها اقدام نظامی علیه ایران انجام نخواهد داد». این اظهارات نشان‌دهنده بی‌اعتمادی عمیق ایران به نیات آمریکا و شکنندگی وضعیت کنونی است.

حملات و تجاوزات اسرائیل عادت کرده و واکنش‌های شدیدی به آن نشان نمی‌دهند. این چشم‌پوشی‌ها به واسطه استانداردهای دوگانه می‌تواند صهیونیست‌ها را به ادامه اقدامات نظامی با استفاده از تجهیزات جدید تشویق کند.

لزوم حفظ و ارتقای توان دفاعی کشور

با توجه به انگیزه‌های استراتژیک و سیاسی صهیونیست‌ها، حمایت‌های نظامی و مالی گسترده آمریکا، به‌ویژه فروش ۵۱۰ میلیون دلاری تجهیزات هدایت بمب و شکنندگی آتش‌بس کنونی، احتمال از سرگیری حملات به ایران، چه به‌صورت محدود و چه گسترده، وجود دارد. اظهارات متناقض ترامپ و



«زمانی که عباس عراقچی در گفت‌وگو با شبکه

سی‌بی‌اس تأکید دارد که «ایران پیش از هرگونه مذاکره باید اطمینان یابد که آمریکا در میانه گفت‌وگوها اقدام نظامی علیه ایران انجام نخواهد داد» موید و مبین آن است که تهران، احتمال وقوع هر سناریویی را می‌دهد چرا که به هیچ وجه اعتمادی به طرف مقابل ندارد که دوباره در میانه مذاکرات، تجاوز دیگری روی ندهد.»

«ایران با تأکید بر دفاع از خود و تداوم برنامه هسته‌ای صلح‌آمیز، نشان داده که در برابر هرگونه تجاوز آماده پاسخگویی است. بنابراین حفظ هوشیاری و آمادگی برای سناریوهای احتمالی، از جمله درگیری‌های جدید، برای ایران و دیگر بازیگران منطقه‌ای ضروری است.»

«تجربه نشان داده که رهبران صهیونیست و مشخصاً فردی چون نتانیاهو در گذشته از درگیری‌های خارجی برای انحراف توجه از مشکلات داخلی استفاده کرده‌اند لذا از سرگیری حملات به ایران می‌تواند به‌عنوان ابزاری برای تقویت جایگاه نتانیاهو در میان افکار عمومی شهرکنشینان و کاهش فشارهای سیاسی داخلی عمل کند.»

فقدان چشم‌انداز روشن برای مذاکرات دیپلماتیک، همراه با نزدیک شدن به ضرب‌الاجل بند غروب برجام، این احتمال را تقویت می‌کند. ایران نیز با تأکید بر دفاع از خود و تداوم برنامه هسته‌ای صلح‌آمیز، نشان داده که در برابر هرگونه تجاوز آماده پاسخگویی است. بنابراین حفظ هوشیاری و آمادگی برای سناریوهای احتمالی، از جمله درگیری‌های جدید، برای ایران و دیگر بازیگران منطقه‌ای ضروری است. در عین حال، تلاش برای بازسازی اعتماد و پیشبرد دیپلماسی می‌تواند به کاهش تنش‌ها کمک کند، هرچند در شرایط کنونی این امر چالش‌برانگیز به نظر می‌رسد.



بررسی پیش‌شرط ایران برای مذاکره با آمریکا ذیل تضمین عدم تجاوز نظامی

دیپلماسی زخمی

شاهد واکنش مثبت و مناسبی در این رابطه از سوی غربی‌ها نبوده‌ایم اما تهران کماکان بر پیش‌شرط خود اصرار دارد. از این رو ترمیم «دیپلماسی زخمی» فرایندی سهل و ممتنع جلوه می‌کند.

عراقچی در بخشی از نوشته خود برای النهار، پاسخ مثبت ایران به درخواست آتش‌بس را فرصتی برای دیپلماسی فراگیر دانست که می‌تواند به همکاری منطقه‌ای و بین‌المللی منجر شود. او با اشاره به نشست وزرای خارجه سازمان همکاری اسلامی، این گردهمایی را زمینه‌ساز گفت‌وگویی واقع‌گرایانه در جهان اسلام توصیف کرد که فراتر از اختلافات قومی و مذهبی است. با این حال، او موفقیت این دیپلماسی را منوط به تضمین‌های حقوقی برای توقف خشونت، به‌ویژه در غزه و لبنان، دانست. تخرت‌روانچی نقش میانجی‌هایی مانند قطر را در ایجاد فضای گفت‌وگو کلیدی خواند و تأکید کرد که ایران به دنبال جنگ نیست اما برای جلوگیری از غافلگیری مجدد، محتاط و آماده باقی خواهد ماند. مهاجرانی نیز با اشاره به سابقه دیپلماسی موفق ایران با کشورهای منطقه، از جمله حل اختلافات با عربستان و مصر، بر تعهد ایران به مذاکره تأکید کرد اما هشدار داد که تناقض‌گویی‌های آمریکا مذاکرات را دشوار کرده است.

پیش‌شرط ایران برای از سرگیری مذاکرات با آمریکا یعنی تضمین عدم تجاوز نظامی، پاسخی منطقی به تجربه جنگ ۱۲ روزه و سابقه بده‌بندی‌های آمریکاست. اظهارات عراقچی، تخرت‌روانچی و مهاجرانی نشان‌دهنده عزم ایران برای حفظ استقلال هسته‌ای، دفاع از منافع ملی و گشودگی به دیپلماسی است. آتش‌بس کنونی شکننده است و بدون اعتمادسازی، احتمال تشدید تنش‌ها باالاست. پیشنهادهای عراقچی برای ایجاد نهادهای حقوقی بین‌المللی و همکاری منطقه‌ای، فرصتی برای بازسازی اعتماد و تقویت ثبات در خاورمیانه فراهم می‌کند. با این حال، موفقیت این تلاش‌ها ایران به تعهد آمریکا به توقف اقدامات نظامی و حمایت کشورهای منطقه از دیپلماسی بستگی دارد.

نشان‌دهنده عمق بی‌اعتمادی ایران به آمریکا، به‌ویژه پس از اظهارات متناقض دونالد ترامپ است که از یک‌سوز مذاکره سخن می‌گوید و از سوی دیگر تهدید به بمباران دوباره ایران می‌کند. **بازسازی اعتماد، خیلی دور، خیلی نزدیک** اکنون محور اصلی مواضع مقامات ایرانی از عراقچی و تخرت‌روانچی تا مهاجرانی برای از سرگیری گفت‌وگوها بر لزوم تضمین عدم تجاوز نظامی آمریکا حین مذاکرات متمرکز است. عراقچی در مصاحبه با سی‌بی‌اس تأکید کرد که ایران پیش از تصمیم به مذاکره، باید اطمینان یابد که آمریکا در میانه گفت‌وگوها دست به حمله نظامی نخواهد زد. او این شرط را به تجربه جنگ ۱۲ روزه مرتبط دانست که در آن حملات آمریکا و اسرائیل مذاکرات مسقط را مختل کرد. تخرت‌روانچی نیز در گفت‌وگو با بی‌بی‌سی، این پیش‌شرط را «مسئله‌ای بسیار مهم» خواند و خواستار شفافیت کامل آمریکا در این زمینه شد. او بار دیگر پیشنهاد غنی‌سازی صفر به‌عنوان «قانون جنگل» تأکید کرد که ایران در مورد سطح و ظرفیت غنی‌سازی آماده مذاکره است اما حق خود برای برنامه هسته‌ای صلح‌آمیز را غیرقابل مذاکره می‌داند.

مهاجرانی نیز با اشاره به تناقض‌گویی‌های آمریکا، اظهار داشت که ایران با وجود بی‌اعتمادی، مسیر مذاکرات را ترک نخواهد کرد اما این مسیر نیازمند تضمین‌های معتبر است. عراقچی در یادداشت خود در النهار، این تضمین‌ها را بخشی از یک چارچوب حقوقی بین‌المللی دانست که باید توسط شورای امنیت و کشورهای تأثیرگذار مانند چین، روسیه و اروپا حمایت شود. او پیشنهاد تشکیل نهادهای مانند دادگاه اسلامی حقوق بشر را مطرح کرد که بتواند براساس اسناد اسلامی، نظیر اعلامیه قاهره ۱۹۹۰، از حقوق ملت‌های منطقه دفاع کند. این پیشنهاد نشان‌دهنده تلاش ایران برای ایجاد مکانیسم‌های حقوقی بین‌المللی به‌منظور جلوگیری از تکرار تجاوزات است. با این حال بازسازی اعتماد از دست رفته ایران مستلزم اقدامات عملی طرف‌های مقابل است. هرچند تاکنون

گزارش



لق شدن پای‌های میز مذاکره

حمله اسرائیلی‌ها به تأسیسات هسته‌ای، نظامی و غیرنظامی ایران آغاز شد، نقطه عطفی در دیپلماسی کشورمان ایجاد کرد چرا که تجاوز اخیر در دست در میانه مذاکرات هسته‌ای به وقوع پیوست. این حملات که منجر به شهادت فرماندهان ارشد نظامی، دانشمندان هسته‌ای و غیرنظامیان شد، با مداخله مستقیم آمریکا سنگرشکن، تأسیسات هسته‌ای فردو، اصفهان و نطنز را هدف قرار داد، هرچند افزایش تشعشعات خارجی گزارش نشد. در مقابل ایران نیز با عملیات‌های «وعده صادق ۳» و «بشارت فتح» پاسخ قاطعی به این تجاوزات داد و توانایی خود برای دفاع را به نمایش گذاشت. این تهران-واشنگتن در مسقط در جریان بود و قرار بود که دور ششم مذاکرات هم به میزبان عمانی‌ها انجام شود که هیچگاه این اتفاق روی نداد. این نقض اعتماد به گفته «فاطمه مهاجرانی» سخنگوی دولت، مذاکرات

گروه سیاست | اعتماد تهران به فرآیندهای دیپلماتیک را به شدت مخدوش شده است. این درگیری که با حملات متجاوزانه ۲۳ خرداد ۱۴۰۴ و مداخله مستقیم آمریکا در دوم تیرماه علیه تأسیسات هسته‌ای ایران همراه بود، شکنندگی آتش‌بس کنونی و پیچیدگی‌های بازگشت به گفت‌وگوهای دیپلماتیک را آشکار کرد. اظهارات اخیر مقامات ایرانی از جمله یادداشت «عباس عراقچی» وزیر امور خارجه از روزنامه النهار لبنان، مصاحبه او با شبکه سی‌بی‌اس، گفت‌وگوی «مجید تخرت‌روانچی» معاون وزیر امور خارجه با بی‌بی‌سی و سخنان «فاطمه مهاجرانی» سخنگوی دولت، همگی بر یک پیش‌شرط اساسی برای از سرگیری مذاکرات با آمریکا تأکید دارند: «تضمین معتبر برای جلوگیری از تجاوز نظامی در میانه گفت‌وگوها». این شرط که ریشه در تجربه‌های پیشین و نیاز به بازسازی اعتماد دارد، نشان‌دهنده رویکرد دوگانه ایران است؛ «گشودگی به دیپلماسی همراه با هوشیاری و آمادگی کامل در برابر تهدیدات نظامی».

>

«اظهارات اخیر مقامات ایرانی از جمله وزیر امور خارجه، معاون وزیر امور خارجه و سخنگوی دولت، همگی بر یک پیش‌شرط اساسی برای از سرگیری مذاکرات با آمریکا تأکید دارند: تضمین معتبر برای جلوگیری از تجاوز نظامی در میانه گفت‌وگوها»

>

«بازسازی اعتماد از دست رفته ایران مستلزم اقدامات عملی طرف‌های مقابل است. هرچند که تاکنون شاهد واکنش مثبت و مناسبی در این رابطه از سوی غربی‌ها نبوده‌ایم اما تهران کماکان بر پیش‌شرط خود اصرار دارد. از این رو ترمیم دیپلماسی زخمی، فرایندی سهل و ممتنع جلوه می‌کند»



نسل زد، نسلی که نه می جنگد، نه جارومی زند

۴۵ درصد از نسل زد ترجیح می دهند در ترافیک بمانند تا خانه تکانی کنند و سالانه ۱۱ هزار نفر

از این نسل از خدمت نظامی استعفا می دهند



رامین لطیفی
دبیر بین الملل

نسلی که در میانه بحران های جهانی بزرگ شد، حالا در برابر همه چیز ایستاده است؛ نه فقط در خیابان ها و شبکه های اجتماعی که در خانه و پادگان هم. نسل زد، فرزند اینترنت و اضطراب، امروز نه میل به اطاعت دارد، نه علاقه ای به گردگیری گوشه های تاریک خانه. آنها با جهان معامله نمی کنند مگر بر پایه معنا و نظم برای شان تا زمانی قابل قبول است که محصول گفت و گو باشد، نه فرمان. دو نظرسنجی تازه منتشر شده در اروپا و آمریکا، بر تره های کنجکاوی برانگیز از این نسل ترسیم می کند: از گریز شان از نظم های سخت و سخت نظامی گرفته تا نفرت شان از تی کشیدن کف آشپز خانه.

بی میلی به خدمت، تمایل به معنا

در سوئیس، ارتش با بحران جذب نیروی جوان روبه روست. با وجود جنگ طولانی در اوکراین و افزایش ناامنی در جهان، سالانه بیش از ۱۱ هزار سرباز خدمت را نیمه کاره رها می کنند و اغلب به جای آن به خدمت غیر نظامی روی می آورند؛ چون



ینگه دنیا

آلکاتراز تمساح ها؛ خانه جدید مهاجران

در قلب مرداب های فلوریدا، نخستین اردوگاه بزرگ مهاجران دولت ترامپ تنها در هشت روز ساخته شد؛ زندانی که منتقدان آن را «اردوگاه وحشت» می نامند

در عمق مرداب های سوزان و پشه خیز فلوریدا، جایی در ۷۰ کیلومتری غرب میامی، جایی که آفتاب از لابه لای نیزارها بر بر کهای آرام می تابد و سایه تمساح ها میان آب می لغزد، دولت ایالتی به فرمان ران دی سانتیس، با حمایت کامل دونالد ترامپ، ظرف تنها هشت روز یک اردوگاه عظیم مهاجران برپا کرده است، سازمای موقت با هدفی دائمی. این مرکز که با لقب طعنه آمیز «آلکاتراز تمساح ها» در رسانه های محافظه کار شناخته می شود، حالا به نمادی جدید از سیاست مهاجرتی دولت ترامپ بدل شده: جایی برای بازداشت سریع، محاکمه فوری و اخراج دسته جمعی مهاجران بدون مدرک اقامت.

فرودگاه متروکه، اردوگاه مجهر

محل اردوگاه، باند فرود «فید فیلیر» است؛ یک فرودگاه متروکه که در دهه های گذشته برای جت های مافوق صوت ساخته شده بود اما خیلی زود به فراموشی سپرده شد. حالا اما این باند تبدیل شده به شهری از چادرهای سنگین، کانکس های امدادی و واحدهای سیار خدمتانی. اردوگاه در حال حاضر ظرفیت پذیرش ۳ هزار مهاجر را دارد و تا سقف ۵ هزار نفر نیز قابل گسترش است. مهاجران در فضای بسته ای از تخت های دوطبقه، محصور در فنس های زنجیردار و سیسم خاردار، برای روزها، هفته ها یا حتی ماه ها نگهداری خواهند شد. مقام های ایالتی می گویند امکاناتی چون تهویه ۲۴ ساعته، مراقبت پزشکی، دسترسی به وکلای و روحانیون مذهبی و فضای تفریح در دسترس خواهد بود. ترامپ در بازدید از این مکان، با طنسز گفت: «اطراف مان پر از مرداب های خطرناک است. راهی برای فرار نیست. فقط باید این تبعید را بپذیری.»

تمساح هایی با کلاه اداره مهاجرت

جمهوری خواهان از این مرکز با عنوان زندان «کم هزینه و کارآمد» یاد کرده اند. در شبکه های اجتماعی، تصاویری از تمساح هایی با کلاه آژانس مهاجرت (ICE) به عنوان نگهبان منتشر شده؛ گویی که طبیعت خشن فلوریدا، به کمک سیاستمداران آمده تا هزینه ها را کاهش و ترس را افزایش دهد. فرماندار دی سانتیس نیز تأکید کرده که انتخاب چنین منطقه ای عامدانه بوده تا وجود تمساح ها، مهاجران را از فرار منصرف کند: «اگر کسی بخواد فرار کند، با تمساح ها طرف است. اینجا امن ترین زندان ممکن است.»

قاضی های موقت، اخراج های فوری

برای تسریع روند قضایی، دی سانتیس اعلام کرده سربازان گارد ملی ایالت می توانند به عنوان «قاضی مهاجرت» آموزش ببینند و احکام صادر کنند؛ رویکردی که به گفته فرماندار، می تواند الگوی ملی شود. کریستی نوم، وزیر امنیت داخلی، نیز گفته: «میدوارم تمام فرمانداران کشور تماس بگیرند و بپرسند چگونه می توانند کاری را انجام دهند که فلوریدا کرده است.» قرار است پس از بررسی سریع پرونده ها، مهاجران بی درنگ به کشور های خود بازگردانده شوند. اردوگاه دوم نیز در دست ساخت است: در نزدیکی جکسون ویل، محوطه ای نظامی به نام «بلندینگ کمپ» در نظر گرفته شده تا ۲ هزار تخت دیگر برای بازداشت مهاجران فراهم شود.

کیوسک

فاینشال تایمز انگلیس، عکس و تیتز اصلی خود را به تصویر شکننده رایحه «پیک بیوفیل» ترامپ اختصاص داد و آن را پیروزی ثروتمندان توصیف کرد.

یواس ای تودی، تیتز و عکس اصلی خود را به پدیده پولساز این روزهای آمریکا، بومگردی در مناطق روستایی اختصاص داد که به یکی از ارکان گردشگری این کشور بدل شده است.



چهره روز

سریال «خرس» (the bear) با بازی درخشان جرمی آلن وایت برای فصل پنجم تمدید شد. این خبر چند روز پس از پخش فصل چهارم اعلام شد. وایت با نقش کاری برزاتو، سر آشپز پرشور شیکاگویی، قلب تماشاگران را تسخیر کرده و به چهره محبوبی تبدیل شده و با بازی احساسی اش جوایزی مانند امی و گلدن گلوب دریافت کرده است. جالب است بدانید، فصل های اول تا سوم سریال به ترتیب امتیازهای ۹۹،۱۰۰ و ۸۹ درصد در راتن تومیتوز کسب کردند، اما فصل چهارم با ۸۴ درصد از منتقدان و ۶۶ درصد از مخاطبان، باز خورد متفاوتی داشت. با این حال، استقبال گسترده تماشاگران و علاقه شان به جرمی آلن وایت، افایکس را به تمدید سریع فصل پنجم ترغیب کرد.

عکس روز

خدا حافظی با کمک های آمریکا

دولت دونالد ترامپ با دستور تعطیلی آژانس توسعه بین المللی آمریکا، نهادهی که از سال ۱۳۴۰ برای ریشه کنی فقر و گسترش دموکراسی تلاش می کرد، آن را در وزارت امور خارجه ادغام کرد



در تیرماه ۱۴۰۴، آژانس توسعه بین المللی آمریکا پس از ۶۴ سال فعالیت تعطیل شد؛ نهادهی که در اوج جنگ سرد، به دستور رئیس جمهور جان اف. کندی و با تصویب قانون کمک خارجی در سال ۱۳۴۰ تأسیس شد تا بازوی دیپلماسی نرم آمریکا باشد. این آژانس با ادغام سازمان های پراکنده، مأموریت یافت تا فقر را ریشه کن کند، دموکراسی را ترویج دهد و جوامع تاب آور بسازد.

اما دولت دونالد ترامپ، با شعار «اول آمریکا»، این نهاد را به دلیل آنچه «اتلاف منابع» و «ترویج برنامه های لیبرال» می خواند، منحل کرد. گفتنی است، این آژانس در دورانی شکل گرفت که آمریکا برای جلب حمایت کشورهای در حال توسعه در رقابت با اتحاد جماهیر شوروی تلاش می کرد. برنامه هایی مانند بازسازی پس از جنگ، مبارزه با بیماری هایی مثل اچ آی وی و پیشگیری از قحطی، جان میلیون ها نفر را نجات داد. اما مارکو روبیو، وزیر امور خارجه، معتقد است که این نهاد پس از جنگ سرد «دستاورد ناچیزی» داشته و به «مجمع صنعتی سازمان های غیردولتی» تبدیل شده که هزینه های سنگینی به مالیات دهندگان تحمیل کرده است.

تعطیلی این آژانس بخشی از برنامه دولت ترامپ برای کوچک سازی دولت فدرال بود که توسط بخش کارایی دولت، به رهبری ایلان ماسک، هدایت شد. ماسک این آژانس را «سازمانی جانبدار» خواند و ادعاها یی اساس و دروغی مانند هزینه ۱۰۰ میلیون دلاری برای توزیع وسایل پیشگیری از بارداری در غزه را مطرح کرد که صحت آن ها به هیچ وجه مورد تأیید است. از دی ماه ۱۴۰۳، دولت بودجه کمک های خارجی را مسدود کرد و بیش از ۸۰ درصد از ۶۲۰۰ پروژه آژانس را متوقف ساخت. تنها حدود ۱۰۰۰ پروژه که با سیاست های «اول آمریکا» همخوانی دارند، به وزارت امور خارجه منتقل شدند. این تصمیم انتقادهای شدیدی را برانگیخت و حتی باراک اوباما و جورج بوش، روسای جمهور پیشین، آن را «شتباهی بزرگ» خواندند.

وزارت امور خارجه اعلام کرده سیستم جدید مکمرسانی با نام «اول آمریکا» این هفته معرفی خواهد شد. این سیستم بر تجارت به جای کمک، کاهش بوروکراسی و

توانمندسازی دیپلمات ها در مناطق محدودتر متمرکز است. اما منتقدان، از جمله نیکلاس برنز، سفیر پیشین آمریکا در چین، هشدار می دهند که این تصمیم جایگاه جهانی آمریکا را تضعیف کرده و فضا را برای رقاباتی مثل چین باز می کند. حامیان آژانس می گویند این نهاد با تقویت نظام های سلامت، کاهش فقر و پیشگیری از بحران های پناهجویی، جان میلیون ها نفر را نجات داده و بازارهای جدیدی برای آمریکا ایجاد کرده است.

تصاویر تکان دهنده از مقر آژانس در واشنگتن، جایی که کارکنان در بهمن ۱۴۰۳ تابلوهایی این نهاد را با نوار سیاه پوشاندند و گل هایی به نشانه وداع قرار دادند، پایان یک دوره را نشان می دهد: از ۱۳ هزار کارمند و پیمانکار آژانس،

ترندهای پنج کشور جهان در گوگل



بازی مرکب همچنان رکوردها را می شکند

سریال کره ای «بازی مرکب» با فصل سوم و پایانی خود بار دیگر جهان را تسخیر کرد و رکورد جدیدی در نتفلیکس به ثبت رساند. این سریال که از سال ۱۴۰۰ با فصل اول خود به پدیده ای جهانی تبدیل شد، در سه روز نخست پخش فصل سوم، با ۶۰،۱ میلیون بازدید برای شش قسمت، رکورد بیشترین بازدید یک سریال در این بازه زمانی را شکست. این موفقیت بی سابقه، بازی مرکب را به اولین سریالی تبدیل کرد که در هفته نخست انتشار، در تمام ۹۳ کشوری که نتفلیکس فهرست ۱۰ اثر برتر را منتشر می کند، رتبه اول را کسب کرد. با این حال، فصل سوم با نقدهای متفاوتی روبه رو شد؛ منتقدان به آن امتیاز ۹۰ درصدی در راتن تومیتوز دادند اما مخاطبان با ۴۹ درصدی نظرات متفاوتی داشتند، به ویژه درباره پایان بندی سریال که برخی آن را ناامید کننده و برخی دیگر درخشان توصیف کردند. البته موفقیت بازی مرکب تنها به فصل سوم محدود نشد. فصل دوم که در پنجم دی ۱۴۰۳ منتشر شد، با ۶۸ میلیون بازدید در چهار روز، رکورد پیشین نتفلیکس را که متعلق به سریال چهارشنبه بود، شکست. هم زمان، فصل های اول و دوم نیز با به ترتیب ۱،۷ و ۲،۸ میلیون بازدید، دوباره به فهرست ۱۰ اثر برتر غیر انگلیسی زبان نتفلیکس بازگشتند که شانهای اشتیاق مخاطبان برای مرور داستان پیش از تماشای فصل سوم است. فصل اول همچنان با ۲۶۵ میلیون بازدید در ۹۱ روز، ریز پربیننده ترین سریال تاریخ نتفلیکس است.

تیزر



قیمه نذری، طبل و سنج و لباس سیاه؛ نمادهایی برای باهم بودن

محرم

آیینی برای همبستگی ملی

دور کیم: آیین‌ها و مراسم‌ها برای حفظ پیوندهای اجتماعی ضروری‌اند تا افراد یک جامعه احساس تعلق به یکدیگر پیدا کنند
گیدنز: آیین‌ها و رسوم‌ها نه تنها همبستگی ایجاد می‌کنند، بلکه فرهنگ و هویت یک جامعه را باز تولید می‌کنند

دور کیم: آیین‌ها، قلب همبستگی اجتماعی

امیل دور کیم، جامعه‌شناس فرانسوی، معتقد بود که آیین‌ها و مراسم‌ها برای حفظ پیوندهای اجتماعی ضروری‌اند. او می‌گفت مراسم‌ها، چه مذهبی مثل عزاداری محرم یا عرفی مثل جشن سال نو، باعث می‌شوند افراد یک جامعه احساس تعلق به یکدیگر پیدا کنند. به نظر دور کیم، این آیین‌ها مانند چسبی هستند که افراد را به هم متصل می‌کند و ارزش‌های مشترک جامعه را تقویت می‌کنند.



گروه فرهنگ و هنر | آیین‌ها و مراسم، از جشن‌های پرنشور تا عزاداری‌های مذهبی، بخشی جدایی‌ناپذیر از زندگی انسان‌ها در سراسر جهان هستند. این مراسم‌ها فارغ از اینکه عرفی‌اند یا مذهبی و دینی در فرهنگ‌های گوناگون ویژگی‌های مشترکی دارند که آن‌ها را به هم پیوند می‌دهد. از منظر جامعه‌شناسی، دو متفکر برجسته، امیل دور کیم و آنتونی گیدنز، به ما کمک می‌کنند تا این ویژگی‌های مشترک را بهتر درک کنیم و ببینیم چرا موسیقی، غذا، آرایش، پوشش و حرکات مشخص در همه این آیین‌ها نقش کلیدی دارند.

ویژگی‌های مشترک؛ آیین و مراسم

موسیقی: برانگیختگی احساس

موسیقی یکی از عناصر مشترک میان آیین و مراسم است. موسیقی از نوای عرفانی، سنج، طبل، دهل و دمام در مراسم عزاداری محرم در ایران، تا موسیقی شاد در جشن‌ها، احساسات را برمی‌انگیزد و افراد را به هم نزدیک‌تر می‌کند. تجربه‌های جمعی، مثل شنیدن موسیقی در یک مراسم، باعث می‌شود افراد حس کنند بخشی از چیزی بزرگ‌تر از خودشان هستند.

پوشش: آهنگ مشترک

آرایش و پوشش هم در همه آیین‌ها بر جسته‌اند. عروس‌ها در هند با حنا و جواهرات آراسته می‌شوند، در ژاپن کیمونوهای خاص برای مراسم جای پوشیده می‌شود و در ایران لباس‌های سیاه در عزاداری‌ها نماد احترام به متوفی است. این پوشش‌ها و آرایش‌ها به افراد کمک می‌کند هویت جمعی خود را نشان دهند و حس تعلق به گروه را تقویت کنند.

غذا: نمادی از مهمان‌نوازی
غذا یکی دیگر از این عناصر نقش مهمی در حفظ پیوند اجتماعی دارد. در مراسم محرم «قیمه» به عنوان غذای امام حسین شناخته می‌شود، در جشن کریسمس کیک مخصوص، در عید پاک تخم‌مرغ‌های رنگی، غذا در این مراسم فقط به معنای پر کردن شکم نیست، بلکه نمادی از اشتراک و مهمان‌نوازی است. دور کیم این را نشانه‌ای از تقویت همبستگی اجتماعی می‌بیند، جایی که افراد دور هم جمع می‌شوند و پیوندهایشان را محکم‌تر می‌کنند.

حرکات موزون: نماد احترام به متوفی

حرکات مشخص، مثل رقص‌های محلی در جشن‌ها یا حرکات هماهنگ در مراسم مذهبی، هم بخشی از این آیین‌هاست. این حرکات، از رقص سماع درویشان، رقص‌های گروهی در جشن‌های آفریقای، تا مراسم زنجیرزنی، نوحه‌خوانی و نخل‌گردانی به شکل رسمی در عزاداری، همگی در یک آهنگ مشترک قرار می‌گیرند و حس وحدت را تقویت می‌کنند. دور کیم معتقد بود این هماهنگی فیزیکی، هماهنگی اجتماعی را هم به دنبال دارد.

گیدنز: آیین‌ها و باز تولید فرهنگ و هویت

آنتونی گیدنز، جامعه‌شناس معاصر، به آیین‌ها از زاویه‌ای دیگر نگاه می‌کند. او معتقد است که آیین‌ها و رسوم‌ها نه تنها همبستگی ایجاد می‌کنند، بلکه فرهنگ و هویت یک جامعه را باز تولید می‌کنند. به عبارت ساده، این مراسم کمک می‌کنند که سنت‌ها و ارزش‌های یک جامعه از نسلی به نسل دیگر منتقل شوند. گیدنز می‌گوید آیین‌ها به ما کمک می‌کنند تا در دنیای پرسرعت و متغیر امروزی، حس ثبات و معنا را حفظ کنیم. برای مثال، موسیقی در مراسم فقط برای سرگرمی نیست بلکه داستان‌ها و ارزش‌های فرهنگی را منتقل می‌کند. در ایران، نوحه‌های عاشورا بی‌نه تنها حس غم را منتقل می‌کنند بلکه داستان کربلا را برای نسل جدید زنده نگه می‌دارند. غذا هم در نگاه گیدنز، فراتر از تغذیه است، نوعی باز تولید فرهنگی است. حرکات مشخص هم در نگاه این جامعه‌شناس، راهی برای باز تولید فرهنگ‌اند. رقص‌های محلی در جشن‌های قومیتی یا حرکات هماهنگ در مراسم مذهبی، مثل سینه‌زنی در محرم، نه تنها افراد را به هم متصل می‌کند، بلکه بخشی از هویت فرهنگی را به نسل بعدی منتقل می‌کند.

ویژگی‌های مشترک: نمادی از پیوند

اگر به آیین‌های مختلف در جهان نگاه کنیم، می‌بینیم که موسیقی، غذا، آرایش، پوشش و حرکات مشخص تقریباً همیشه حضور دارند. چرا؟ چون این عناصر به ما کمک می‌کنند تا احساساتمان را بیان کنیم، هویتمان را نشان دهیم و با دیگران پیوند برقرار کنیم. جامعه‌ای منسجم داشته باشیم. همچنین، این ویژگی‌ها تضمین می‌کنند که فرهنگ و هویت‌مان در گذر زمان حفظ شود. در نهایت، این آیین‌ها و مراسم‌ها، با همه تفاوت‌هایشان، ما را به هم شبیه‌تر می‌کنند. وقتی در یک مراسم مذهبی دعا می‌خوانیم یا دور یک میز غذا می‌خوریم، در واقع داریم بخشی از انسانیت مشترک‌مان را با دیگران سهیم می‌شویم. این آیین‌ها، با گردهم آوردن مردم در مساجد، تکیا و خیابان‌ها، حس تعلق به یک جامعه بزرگ‌تر را تقویت می‌کنند. این همبستگی نه تنها در میان افراد مذهبی، بلکه حتی در میان افرادی که لزوماً اعتقادات مذهبی عمیقی ندارند، دیده می‌شود.

پوشش و آرایش: احترامی از نوع عزا

پوشیدن لباس سیاه در محرم، نمادی از عزا و احترام به امام حسین (ع) است. در طول تاریخ، این پوشش از لباس‌های ساده سیاه به تنوع بیشتری، مثل پیراهن‌های مشکی با طرح‌های مذهبی، رسیده است. برخی زنان نیز با آرایش ساده و استفاده از چادر یا مقنعه مشکی، به این مراسم می‌پیوندند. این پوشش حتی برای غیرمذهبی‌ها، نشانه‌ای از احترام به فرهنگ و سنت است و آن‌ها را در این آیین شریک می‌کند.

حرکات مشخص: هماهنگی و وحدت

سینه‌زنی، زنجیرزنی و راهپیمایی‌های هماهنگ، حرکاتی هستند که در محرم دیده می‌شوند. این حرکات در طول زمان تغییر کرده‌اند، مثلاً در گذشته زنجیرزنی شدیدتر بود، اما امروز بیشتر به شکل نمادین انجام می‌شود. این حرکات، حس هماهنگی و وحدت را میان شرکت‌کنندگان ایجاد می‌کنند و حتی افرادی که اعتقاد مذهبی قوی ندارند، به دلیل جاذبه بصری و احساسی، در این حرکات مشارکت می‌کنند.

باز تولید انسجام ملی

این مراسم، از طریق باز تولید عناصری مثل موسیقی، غذا، پوشش و حرکات، هویت ایرانی-شیعی را تقویت می‌کنند و حس انسجام ملی را در میان اقشار مختلف جامعه، از مذهبی تا غیرمذهبی، زنده نگه می‌دارند. این آیین‌ها، مانند پلی میان گذشته و حال، نه تنها ارزش‌های دینی، بلکه فرهنگ و تاریخ مشترک ایرانیان را به نسل‌های جدید منتقل می‌کنند.

محرم امسال، می‌تواند نمادی از اتحاد باشد

آنچه در محرم امسال پیش از گذشته حائز اهمیت شده، بازگشت به هویت ملی و فرهنگی است. در زمانه‌ای که جنگ به تازگی از آسمان این کشور رخت برپسته اما همچنان تب و تاب آن در جامعه ایرانی دیده می‌شود، مراسم آیینی چون محرم، می‌تواند به عنوان یکی از عناصر بازگشت هویت فرهنگی-ایرانی-شیعی به جامعه کمک کند. محرم امسال، شاید برخلاف تمام سال‌های گذشته با وجود عقاید متفاوت در افراد، نمادی از همبستگی را در یک جامعه شیعی ایجاد خواهد کرد. جامعه‌ای که در بزرگ‌ترین بحران روزهای پیشین خود نشان داد در مقابل هرگونه تهدید و تهاجم با مفاهیم پیوند خورده به فرهنگ و سنت کنار هم می‌ایستند. جامعه ایران امروز، با همه گسست و اختلاف عقیده و تفکر، چه با نام وطن، چه به نام مذهب در بزنگاه‌های تاریخی کنار هم می‌ایستند و بار دیگر اتحاد خود را نمایان می‌کنند.

استفاده از شال‌های مشکی با طرح‌های امروزی، این عنصر را برای نسل جدید جذاب‌تر کرده است. داستانی که در دسته‌های عزاداری روایت می‌شوند حرکات هماهنگ در مراسم، مثل دسته‌های عزاداری، نه تنها حس وحدت ایجاد می‌کنند، بلکه داستان کربلا را به صورت نمایشی بازگو می‌کنند. تعزیه، به عنوان یک نمایش آیینی، نمونه‌ای از این بازتولید فرهنگی است که حتی غیرمذهبی‌ها را به دلیل جنبه‌های هنری و نمایشی آن جذب می‌کند.

تجربه‌ای فرای مذهب، برآمده از هویت ملی و فرهنگی

چرا غیرمذهبی‌ها هم در این مراسم مشارکت می‌کنند؟ مراسم محرم، با وجود ریشه‌های عمیق مذهبی، به دلیل عناصر مشترک و جذاب خود، توانسته حتی بخش‌های غیرمذهبی جامعه را به خود جلب کند. موسیقی نوحه‌ها، فضای احساسی و جمعی، عطر نذری‌ها و هماهنگی حرکات، تجربه‌ای فراتر از مذهب ایجاد می‌کنند. این مراسم، برای بسیاری از ایرانی‌ها، بخشی از هویت ملی و فرهنگی است. حتی کسانی که ممکن است به جنبه‌های دینی کمتر پایبند باشند، در این آیین‌ها به دلیل حس نوستالژی، پیوند با جامعه، یا احترام به سنت‌ها شرکت می‌کنند. کارکردهای هویت‌بخشی و انسجام ملی محرم، عاشورا و تاسوعا، با وجود تغییرات در طول تاریخ، همچنان کارکردهای اصلی خود را حفظ کرده‌اند.

باز تولید هویت فرهنگی در محرم

آنتونی گیدنز معتقد است که آیین‌ها، فرهنگ و هویت یک جامعه را باز تولید می‌کنند و به آن‌ها در برابر تغییرات زمانه ثبات می‌بخشند. مراسم محرم، عاشورا و تاسوعا، با وجود تحولات تاریخی، توانسته‌اند عناصر خود را بازسازی کنند و هویت ایرانی-شیعی را حفظ کنند. نوحه‌ها و مداحی‌ها، داستان کربلا و ارزش‌های مثل شجاعت و ایثار را منتقل می‌کنند، حتی در شهرهای مدرن که سبک زندگی تغییر کرده، مداحی‌های جدید با سبک‌های پاپ نسل جوان را جذب می‌کنند. این باز تولید موسیقی، باعث شده حتی جوانانی که ممکن است چندان مذهبی نباشند، به دلیل جذابیت موسیقایی یا حس نوستالژی فرهنگی، در مراسم شرکت کنند. نذری‌ها، علاوه بر تقویت حس اشتراک، بخشی از هویت ایرانی را باز تولید می‌کنند. مثلاً قیمه نذری محرم، با طعم و عطر خاص خود، برای بسیاری از ایرانی‌ها یادآور خاطرات کودکی و پیوند با گذشته است. این سنت، حتی برای غیرمذهبی‌ها، نمادی از فرهنگ ایرانی است که آن‌ها را به تکیا می‌کشاند.

نمادها، باز نمایی هویت شیعی - ایرانی

لباس مشکی و نمادهای عاشورایی، مثل پرچم‌ها و کتیبه‌ها، بخشی از هویت شیعی-ایرانی را تشکیل می‌دهند. این نمادها، حتی برای کسانی که اعتقادات مذهبی قوی ندارند، به عنوان بخشی از فرهنگ ملی جذابیت دارند. در سال‌های اخیر، طراحی‌های مدرن‌تر لباس‌های عزاداری یا حتی



الکسیس گندوز، دروازه‌بان تیم پرسپولیس، پس از اعلام تمایل به جدایی، مورد توجه چند باشگاه از لیگ حرفه‌ای الجزایر قرار گرفته است. گفته می‌شود او علاقه‌مند به بازگشت به لیگ داخلی است، به‌ویژه اگر پیشنهاد مناسبی از نظر مالی و ورزشی در دسترس او قرار گیرد. در همین حال، او اولین گندوز بازی در تیمی خارجی است تا سطح پیش‌رانی را بالاتر ببرد. باشگاه مولودیه الجزایر در دریاقت فصل گذشته، یکی از تیم‌هایی است که پیشنهاد رسمی برای جذب این دروازه‌بان ارائه داده و تا به‌توجه به حضور در لیگ الجزایر، مقصدی جذاب به‌شمار می‌آید. هدف اصلی گندوز حضور در ترکیب اصلی تیم ملی الجزایر است و بازی در تیمی که مدعی قهرمانی باشد، می‌تواند شانس او را برای ماندن در جایگاه دروازه‌بان اول تیم ملی افزایش دهد. در شرایطی که آنتونی مندارا، دروازه‌بان فعلی تیم ملی دچار افت شدید شده، گندوز یکی از گزینه‌های جدی ولادیمیر پوتکویچ برای رقابت‌های پیش‌رو است. سرمربی تیم ملی الجزایر قصد دارد چهارهفته‌ای تازه‌ای را برای تقویت پست دروازه‌بان در رقابت‌های قهرمانی جام جهانی ۲۰۲۶ و جام ملت‌های آفریقا بررسی کند.

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: شرکت هفت صبح ماندگار
 زیر نظر: شورای سردبیری
 مدیر هنری: وحید غفاری
 دبیر فرهنگ و هنر: عسل آذرپور

دبیر ورزش: امید ذاکری نیا
 دبیر حوادث: فاطمه شیخ علیزاده
 دبیر بین الملل: زامتین لطیفی
 ویراستار: فرزانه اختیاری و مرتضی کللیلی

بازنشر مطالب روزنامه هفت صبح صرفاً با
 اجازه کتبی مجاز است، در غیر این صورت
 ممنوع وقابل پیگیری قانونی است
 pr@7sobh.com
 www.7sobh.com

کد پستی ۱۹۸۸۰۴۴۳۵۱
 شماره پیامک: ۰۹۲۰۰۱۷۰۷
 توزیع: دنیای اقتصاد تابان | چاپ: جام جم
 اذان صبح: ۰۲:۰۶ | طلوع آفتاب: ۰۴:۵۳ | اذان ظهر: ۱۲:۰۸ | غروب آفتاب: ۱۹:۲۳ | اذان مغرب: ۱۹:۴۴

هفت صبح

پیام عاشورا

می خواهند کسی شریف نباشد

روزیه کردونی پژوهشگر

ابتدای سخنم را با روایتی از کتاب «سفر خروج» نوشته عبدالرحمن شرقاوی آغاز می کنم که بخشی از گفت‌وگوی عمر بن سعد و حر ابن ریاحی را آورده است: حر ابن ریاحی: اجازه می‌دهید حسین باز گردد؟ عمر سعد:امیر را چه کنیم؟ حر ابن ریاحی: بگذارید هر کجا برود، ما هم از او قول می‌گیریم در مورد خلافت یزید سکوت کند. عمر سعد: سکوت او هم مانند سخن گفتنش است. او خود را هنگام سکوت هم مسئول می‌داند... ای حر، این گونه سکوت همچون صدای رعد است.

حر ابن ریاحی: ای، پسر فرمانده سپاه اسلام، پس می‌خواهید چه کنید؟

عمر سعد: باید بیعت کند، اینگونه به ذلت کشیده می‌شود. او اکنون قهرمان است اما من... نه... مگر چه فرقی بین ماست؟ اگر بیعت کند،

همه مردم در این ذلت یکسان هستند.

❖ **فراتر از اختلافات سیاسی** انگار در این گفت‌وگو، چیزی فراتر از یک اختلاف سیاسی نهفته است؛ اینجا چهره عریان قدرت فاسد را می‌بینیم: عمر بن سعد نه از ترس حسین که از شرافت و محبوبیت و عزت او در میان مردم دل‌آزرده است. او نمی‌خواهد حسین را تنها شکست دهد، می‌خواهد او را تا سطح خود بکشد زیرا شرافت و عزت حسین، او را رسوای کند و به آن حسادت می‌ورزد. و از آن مهم‌تر، حتی سکوت حسین هم برایش خطرناک است چرا که وقتی دروغ بر حقیقت غلبه دارد، سکوت شریف هم رعدآسا و ویرانگر است. همه باید به دروغ بیبوندند تا ذلیل شوند و سرانجام، جمله‌ای کوتاه اما عمیق: «او اکنون قهرمان است، اما من... نه...». این، اعتراف به شکست اخلاقی است. عمر بن سعد

ظاهراً فرمانده است اما در درون، خود را ذلیل‌تر از همه می‌بیند. در لایه‌ای عمیق‌تر، این گفت‌وگو نشان می‌دهد که یک ویژگی عمر سعد این است فقط می‌خواهد پیروز باشد و البته به این هم راضی نیست، بلکه پیروزی را در انحصار خودش می‌خواهد. فرمانده آنها که امام حسین را شهید کردند، قهرمان را نمی‌خواهند، مگر اینکه خودشان قهرمان باشند. اگر دیگری در چشم مردم قهرمان باشد، باید یا شکسته شود یا ذلیل یا فرومایه شود. این حسادت، نه فقط نسبت به حسین(ع)، بلکه نسبت به شرافت و عزت است. عمر سعد نه فقط می‌خواهد پیروز باشد، بلکه می‌خواهد روایت پیروزی را هم داشته باشد. به این هم بسنده نمی‌کند، می‌خواهد دیگران هم همه با دروغ و ذلت بیعت کنند تا هیچ کس شریف نباشد.

تهران و کوچه‌هایش

خیمه سفید عاشورا؛ جامانده از شاه عباس صفوی

روایت نفر آباد؛ تکیه‌ای که ثبت ملی نشد



شاید کمتر کسی بداند که در جنوب شهر تهران، تکیه‌ای قرار دارد که قدمتش از سن پایتخت شدن تهران بیشتر و مربوط به زمانی است که هنوز ملک ری، به تهران پیوند نخورده بود؛ نامش تکیه نفر آباد است و به تکیه حضرت علی اکبر هم شناخته می‌شود. این تکیه، حدود ۴۰۰ سال پیش، در ملک ری و در ضلع شرقی حرم حضرت عبدالعظیم ساخته شد.

در زمان حکومت صفویه از پایتخت بودن تهران خبری نبود. در آن زمان ری به‌عنوان شهری مهم تلقی می‌شد اما در دوره صفویه که از رونق ری تا حدودی کاسته شده بود، به دستور شاه طهماسب صفوی بارویی در اطراف طهران ساخته شد. به نقل اهالی و براساس وقف‌نامه موجود -که به تأیید کارشناسان آستان حضرت عبدالعظیم(ع) رسیده است- تکیه نفرآباد در سال ۱۰۶۰ هجری قمری (یعنی حدود ۱۰۰ سال بعد از نخستین حصار کشی پیرامون تهران قدیم)، و احتمالاً در دوران شاه عباس دوم صفوی ساخته شده است.

انطور که در منابع تاریخی درج شده، عده‌ای از نفرآبادی‌ها ستون خیمه‌ای را برای عزاداری امام حسین (ع) برافراشتند؛ درست در مکانی که «تصیر یک» آن را وقف تکیه کرده بود. علی قربانی‌نژاد، یکی از اعضای هیات‌امانی تکیه نفرآباد، نصیر یک، فرزند محمداقبر عطارباشی را یکی از واقفان قدیمی تکیه نفرآباد معرفی می‌کند.

هنوز هم پس از گذشت نزدیک به ۴ قرن، خیمه سفید این تکیه، طبق روال هر سال در اول محرم برافراشته می‌شود. این چادر سفید قلمزنی شده اثر هنرمندان اصفهانی است که حکم سقف تکیه را دارد. قدیم‌ها یک ستون چوبی ۱۲متری آن را نگه می‌داشت که حالا جای خود را به تیر آهن داده و در واقع تنها تغییر این تکیه، همین ستون است.

دو متر دورتر از زمین تکیه هم قلاب‌هایی قرار دارد تا موقع نصب چادر خیمه، طناب آن را به دور این قلاب‌ها ببندند و چادر از همه‌طرف، مهار شود.

شیبستان اصلی تکیه نفرآباد ساختمانی قدیمی، ۴۰۰ متری و ۲ طبقه است؛ و در قدیم، بانوان مراسم تعزیه‌خوانی را از طبقه بالا تماشا می‌کردند. دور تادور شیبستان هم سکوپی به ارتفاع ۳۰ سانتی‌متر و عرض ۳ متر برای نشستن عزاداران دیده شده بود که روی آن‌ها پشتی برای نشستن بزرگان و سالخورده‌گان قرار داده می‌شد.

در گذشته دور تادور این تکیه غرفه بود که هریک از این



تکیه نفرآباد، تکیه‌ای که ثبت ملی نشد

تکیه نفرآباد، تکیه‌ای که ثبت ملی نشد

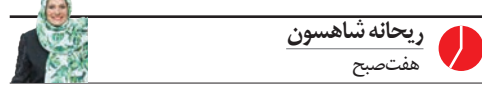
تکیه نفرآباد، تکیه‌ای که ثبت ملی نشد

تکیه نفرآباد، تکیه‌ای که ثبت ملی نشد

تکیه نفرآباد، تکیه‌ای که ثبت ملی نشد

به همراه فرچه نرم مسواک است که به شکل دوره‌ای می‌توانید این نظافت را انجام دهید. از قرار دادن جواهرات در مکان‌های بسیار سرد یا بسیار گرم بپرهیزید. برای زیورآلات نقره می‌توانید آن‌ها را در کیسه‌هایی قرار دهید تا هوا داخل کیسه نرود و اکسیده نشوند. زمانی که با دستگاه‌های ورزشی کار می‌کنید یا مشغول شستن ظرف در آشپزخانه هستید، حتماً انگشت‌هایی که دارای سنگ قیمتی هستند را از دست خود خارج کنید. سعی کنید جواهرات خود را در کیف یا جعبه‌ای جدا از سایر طلاها قرار دهید.

در زمان اضطراب ، در کیف دستی چه چیزهایی باید قرار دهیم ؟



در روزهای اخیر که احتمال شروع مجدد حملات رژیم صهیونیستی در رسانه‌ها مطرح شده و حتی رسانه ملی با دعوت از کارشناسانی که زمان شروع مجدد جنگ را پیش‌بینی کرده‌اند، افراد و خانواده‌ها در حال آماده کردن وسایل ضروری از جمله دارو، باند، کنسرو و آب هستند.

هر ساک دستی برای زمان‌های حساس شامل موارد ضروری است که در ادامه به آن خواهیم پرداخت؛ اما لوازم و وسایل لازم برای سفر چیست و اگر به هر دلیلی در حال آماده کردن یک کوله‌پشتی هستیم، چه چیزهایی باید در آن قرار دهیم؟ در یکی از این روزها که در حال فرار از خانه بودم، یکی از خانم‌های مسن همسایه مرا دید و گفت: «چقدر خوبه کیفیت پشته و کوله داری حالا دو تا دست‌هایت هم که آزاد است، لطفاً بیا به من کمک کن و این ساک را داخل کوچه بگذار.»

من که در حال فرار بودم، به خودم گفتم این وسط توانی هم کرده باشم و به این همسایه مسن که دختر و همسرش را در اثر تصادف از دست داده بود، کمکی کنم.

همین‌جوری که داشتم بدو بسدو می‌رفتم به سمت ورودی در خانه‌اش، دیدم از سه سایز چمدان موجود در بازار شماره یک یعنی بزرگ‌ترین سایز چمدان قرمز آلبالویی‌رنگ وسط خانه خودنمایی می‌کند! اهمیت ندادم و به خودم گفتم حتماً در چمدان چند تا لباس و دارو و دستگاه قند خون و فشارسنج و دستگاه اکسیژن‌سنج و وسایلی که برای این سن اقضا می‌کند را در چمدان گذاشته است. با همین فکر رفته به سمت چمدان که دیدم اصلاً قایل تکان دادن نیست و انگار تکه‌ای از زمین داخل این چمدان قرار دارد.

اجازه گرفتم و داخل چمدان را باز کردم. چشم‌تان روز بد نبیند! این خانم مسن تنها چیزی که در چمدان آلبالویی رنگش وجود نداشت، موارد مرتبط با سلامتی‌اش بود. داخل چمدان پر بود از عطر و اسفند و مدارک و دست‌نوشته‌هایی که روی انواع چرم نوشته شده بود و دو عدد صندوقچه چوبی که وقتی داخلش را باز کردم سربوس‌های طلای زرد به همراه انگشترهای با سنگ‌های زمرد و یاقوت خودنمایی می‌کرد!

حالا از چمدان آلبالویی این خانم همسایه بگذریم، برای اینکه بدانیم چه مواردی را داخل ساک دستی خود بگذاریم، بهتر است ادامه مطلب را بخوانیم:

مواد غذایی: آذوقه‌ای که می‌تواند شامل کنسرو، نان خشک یا میوه‌های خشک باشد که فاسد نمی‌شوند.

وسایل ارتباطاتی: همراه داشتن گوشی موبایل، شارژر، چراغ قوه، یک سوت یا شبیه آن که بشود در مواقع خاص تقاضای کمک کرد.

وسایل کمک‌های اولیه: مانند باند، گاز، داروی مسکن، داروهای شخصی، داروی ضدعفونی.

وسایل شخصی: می‌تواند شامل داروها، کلید، لباس در حد نیاز و یک پتوی سبک و مسافرتی و همچنین داشتن کیسه پلاستیک و فریزر باشد. اینها همیشه لازم است و جای زیادی هم در کیف نمی‌گیرد. کیف اسفند و مدارک هویتی: کارت ملی، کیف پول، بیمه‌نامه و دفترچه حساب بانکی و دسته کلید را در یک کیف کوچک و محکم قرار دهید.

در زمان آماده کردن کیف به موارد زیر دقت کنید:

در انتخاب کیف خیلی دقت کنید که کیف انتخاب شما جنس سیکی داشته باشد.

مرتب کیف را چک کنید و غذاها و داروهای تاریخ مصرف گذشته را از داخل کیف بردارید.

کیف را براساس نیازهای‌تان مرتب کنید. اگر آن کیف مختص کودکان است، وسایل مورد نیاز کودکان را در آن قرار دهید و اگر مخصوص سالمندان است به فراخور نیازشان، وسایل آن افراد را قرار دهید.

کیف را در محلی مشخص، ایمن و در دسترس قرار دهید که در زمان اضطراب بتوانید آن را راحت و سریع بردارید.

فراموش نکنید که داشتن چنین کیف دستی، برای مواقع اضطراری، در زمره کارهای لوکس نیست و تهیه‌اش برای هر فردی لازم است.

پندانه

اعتقادات در خصوص طلا و جواهرات، واقعیت دارد یا خرافات است؟

باورهایی نه‌چندان علمی در خصوص سنگ‌های قیمتی در برخی فرهنگ‌ها استفاده از زمرد می‌تواند به حل مشکلات فرد کمک کند و به وی شجاعت دهد. از سنگ اونیکس به‌عنوان عامل شانس یاد می‌شود. و اما سنگ زیبا و جذاب آمیتیست که گفته شده به فرد آرامش می‌دهد و استرس را از وی دور کرده و می‌تواند از دیدن خواب‌های بد جلوگیری کند. سنگ یاقوت به فرد جرات و شجاعت می‌دهد و انرژی‌های منفی را از وی دور می‌کند.



سنگ ماه تولد شما چیست؟

- فروردین: الماس
- اردیبهشت: زمرد
- خرداد: مروارید
- تیر: یاقوت سرخ
- مرداد: زبرجد
- شهریور: یاقوت کبود
- مهر: اوپال
- آبان: توپاز
- آذر: فیروزه
- دی: گارنت
- بهمن: آمیتیست
- اسفند: اکوامارین

عزاداری و آزادیگی

عزاداران حسینی، سرور آزادگان جهان را زبر برج آزادی صلا می‌زنند.

عکس: فاطمه بهرامی

عکس‌نوشت



عکس: فاطمه بهرامی